

نگاهی پدیدارشناسانه به طراحی مناظر مقدس شهری

مهدی خاکزند* - استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
داود قربانزاده - کارشناس ارشد مهندسی طراحی محیطزیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده محیطزیست و انرژی، گروه طراحی محیطزیست، تهران، ایران.

چکیده

در ادیان مختلف همواره اموری به عنوان مقدس وجود داشته که پاسخگوی بنیادی‌ترین نیازهای انسان که توجه و اشتیاق برای رسیدن به «کمال مطلق» و تقرب و توسل به اوست، می‌باشد. از اینرو در جوامع امروز که نیاز به آرامش روانی و معنویات بیش از پیش احساس می‌شود؛ مناظر مقدس شهری به عنوان بخشی از مناظر فرهنگی، عین شده با آداب و رسوم و آیین و مذهب جوامع شهری، توانسته است با سوق دادن انسان از مادیات به سوی معنویات در ارتقاء ارزش‌ها و اعتقادات سهم به‌سزایی داشته‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد افراد در مواجهه با این مناظر می‌توانند شاهد فنومن یا پدیدارهایی باشند که به فضا یا منظر مقدس معنا داده و در مواجهه با ذهن، ایجاد مفهوم خاص نمایند. بنابراین، نوع نگرش و باورهای آدمی درباره زندگی و منظر پیرامون خود، در بهره‌مندی از آرمان‌های مطلوب او بسیار اثر گذارند. از طرفی فرآیند طراحی با نگاهی پدیدارشناسانه در مناظر مقدس، این امکان را مهیا ساخته تا با دیدن این مناظر، نسبت به ادراک فضا، تقویت حس مکان و هویت بخشی به منظر پرداخته و بدین گونه موجبات حفظ و ارتقاء ارزش‌های فرهنگی و مذهبی را در جوامع بشری به وجود آورد. هر پدیدار با ایجاد معانی و مفاهیم گوناگونی که در ذهن انسان شکل می‌دهد، با محیط و فضاهای پیرامون خود ایجاد رابطه کرده و همین ارتباط می‌تواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری، به تصویر کشیدن و به طور کلی، به عینیت بخشیدن فضاها را فراهم آورد. در ادامه پدیدارهای نشأت گرفته از ذهن و تجربه ناظرین در برخورد با این مناظر مورد بررسی قرار گرفت که برای هر یک شاخصه‌هایی در نظر گرفته شد. این تحقیق با رویکرد پدیدارشناسانه و روی هم‌گذاری موارد شناسایی شده منطبق با نیازها و خواسته‌های استفاده‌کنندگان و زائرین، نسبت به معرفی و تعیین فضاهای مورد نیاز این پدیدارها، گام برداشته و نشان می‌دهد می‌توان با استفاده از روش مذکور و تعیین شاخص‌های طراحی، مناظر مقدس را در قالب فضاهایی مشخص نظیر فضاهای معنوی، یادمانی، تعاملات جمعی، نیایشی و فضاهای مکث، معرفی و ارائه نمود.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، طراحی منظر، منظر شهری، منظر فرهنگی، منظر مقدس

مقدمه

گسترش روزافزون و چشمگیر جوامع بشری و تبعات منفی ناشی از آن نظیر: استرس، روزمرگی، توجه به مادیات، تنزل معنویات و کاهش ارزش‌های فرهنگی؛ انسان امروز را بر آن داشته تا به دنبال فضایی باشد تا بتواند خویشتن را از هرگونه هیاهو و مسائل دنیوی، دور ساخته و به عالم معنا نزدیک‌تر گرداند. از اینرو یکی از مناظری که در شهرها، همواره مورد توجه بوده و نیاز به مطالعه و تمرکز بیشتری دارد، مناظر مقدس شهری است. مناظر مقدس شهری به‌عنوان بخشی از مناظر فرهنگی، عین شده با آداب و رسوم و آیین و مذهب جوامع شهری که در هر جوامعی بنا بر ارزش‌ها، مقدسات و اعتقادات آن سرزمین شکل گرفته و تعریف می‌شود، توانسته‌است با سوق دادن انسان از مادیات به سوی معنویات و ارتقاء ارزش‌ها و اعتقادات، درصد رفع مشکلات ناشی از پیامدهای آن برآید. از سوی دیگر ما همواره با موضوعات عالم هستی نسبتی دیرینه داشته و داریم. همین نسبت‌های بی‌واسطه است که پدیدارها را به‌وجود می‌آورند و در مواجهه با ذهن انسان تبدیل به تجربه، مفهوم و معنی می‌گردند. از اینرو در هر پدیدار، ظاهر و باطن به هم آمیخته است و باطنی بدون ظاهر، یا ظاهری بدون باطن در نظر گرفته نمی‌شود. بر این اساس اندیشه در پدیدارها و بهره‌برداری از آن، در مسیر استفاده بهینه از فضاها و مناظر پیرامون می‌تواند راهگشای ما در طراحی اینگونه مناظر باشد. با این وصف، هر انسانی در اولین نگاه و برخورد با مناظر مقدس شهری، پدیدارهایی را مشاهده و تجربه می‌نماید که هر یک از آنها، ملزومات و ویژگی‌هایی داشته و بر اساس آن می‌توان به شاخصه‌هایی در زمینه طراحی این مناظر در جهت تحقق اهداف معنوی دستیابی پیدا نمود.

۱. پرسش‌های پژوهش

عمده‌ترین سؤالات پژوهشی در مورد این تحقیق را می‌توان اینگونه عنوان نمود که چگونه پدیدارها می‌توانند با برقراری ارتباط بین دنیای ذهنی و دنیای عینی در طراحی مناظر مقدس شهری نقش داشته باشد؟ و اینکه چه فضاهایی را برای پدیدارهای شناسایی شده و پاسخگویی به نیاز استفاده‌کنندگان، می‌توان معرفی و ارائه نمود؟

۲. پیشینه پژوهش

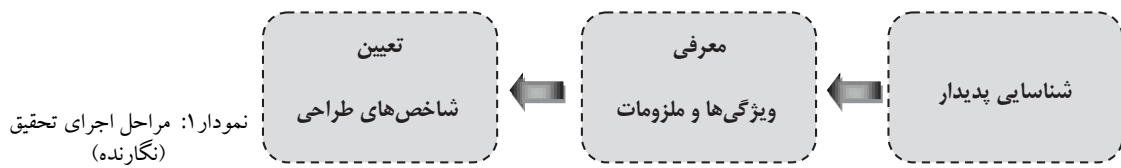
از دوره رنسانس به بعد، به تدریج «طبیعت» در تفکر عقلگرای اروپا مطرح شد. کورت گروتز، اساس این تفکر را این چنین بیان می‌کند که: «خداوند، طبیعت را خلق کرده و بشر باید از آن استفاده کند» (گروتز، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶). از طرفی مکان‌های آیینی در بیشتر ادیان، براساس ویژگی‌های جغرافیایی، ویژگی‌های طبیعی محیط و در ارتباط نزدیک با طبیعت تعیین می‌شده

است و از این طریق کیفیات مثبت محیطی را متجلی می‌ساخته‌اند. مخلص در پژوهشی در «منظر فرهنگی آیینی شهرستان بانه» بیان می‌دارد: «مهم‌ترین عامل در بقاء اعتقادات و باورهای مردم، کالبد بخشیدن به آنها در قالب معابد و زیارتگاه‌هاست». از این جهت شاید بتوان قوی‌ترین نوع پیوند طبیعت و رسوم مردم را در مراکز آیینی و مقدس جستجو کرد (مخلص، ۱۳۹۲). در تحقیقی که هما بهبهانی در مورد بررسی شاخصه‌های مناظر مقدس، انجام داده به این نتیجه رسیده است که همواره وجود عناصر خاص فیزیکی و بیولوژیکی طبیعی در منظر، چه از لحاظ کمیّت و چه از لحاظ کیفیّت، جنبه احترام و تقدس در بین ساکنان بومی منطقه داشته و همواره ارزش‌های مذهبی در عناصر طبیعی و انسان‌ساز در طول تاریخ، تداوم یافته و کاربری آنها با توجه به تغییر در مذاهب، هیچ‌گونه تغییری نداشته است (بهبهانی ایرانی و همکاران، ۱۳۹۰).

همچنین علی محدثی در رساله "طراحی مجموعه فرهنگی - تاریخی امامزاده حمزه" در تلاش جهت تولید و تفریق فضایی بوده که از یک سو سعی در معرفی تداوم موضوع فرهنگ و آموزش طی قرون متمادی در اشکال و روشهای متناسب با هر دوره که بیانگر ارزشمندی این حوزه در عرصه مبانی‌نظری و اندیشه انسانی ایرانی است، داشته و از سوی دیگر سعی داشته با تلفیق ساختار و شالوده اصلی شهر و زمینه تاریخی آن با ذهنیّت و ارتباط ذهنی شهر، فضایی در برگیرنده کارکردها و عملکردهای مختلف در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی ارائه نماید (محدثی، ۱۳۸۲). لازم به ذکر است هیچ کدام از پژوهش‌های صورت گرفته به بررسی اختصاصی ارتباط بین دنیای ذهنی و فضاهای عینی منظر، نپرداخته است.

۳. روش پژوهش

از آنجائیکه موضوع پژوهش انجام شده مرتبط با بررسی پدیدارها و مسائل مربوط به زیارت و مشاهده مناظر مقدس در رابطه با انسان بوده و مفاهیم آن در مواجهه با ذهن تبدیل به تجربه، مفهوم و معنی شده و تأثیرات آن بر کنش و رفتار انسانی مشهود می‌گردد و از آنجائیکه اساساً بخش عمده‌ای از مطالعات مربوط به تأثیر ایدئولوژی دین، فرهنگ، سیاست، اخلاق و مانند آن، بر کنش و رفتار انسان که موضوع مطالعه بسیاری از رشته‌های علوم انسانی است، را می‌توان با استفاده از روش تحلیل کیفی و عقلی، تجزیه و تحلیل نمود (حافظنیا، ۱۳۸۷، ص ۲۳۵). بنابراین روش تحقیق مورد استفاده در این موضوع، روش تحقیق کیفی است. تحقیقات کیفی نیز روش‌های متنوعی دارد که از یکی از این روش‌ها، روش تحقیق پدیدارشناسی است. روش پدیدارشناسی که یک روش توصیفی محسوب می‌شود، از فلسفه پدیدارشناسی سرچشمه می‌گیرد. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در



نمودار ۱: مراحل اجرای تحقیق (نگارنده)

احساس طلب و شوق در رسیدن به امر قدسی. امر قدسی، امری رازآلود و هیبتناک و در عین حال جذاب، متعالی و آرامش‌بخش است و از آن جهت قابل ستایش است که تنها اوست که به معنای مطلق، ارزش ستایش شدن را دارد (اوتو، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷).

ج: نظر میرچا الیاده در مورد مقدس و امر قدسی
میرچا الیاده، کاربرد اوتو را از امر قدسی به طور کامل تهذیب کرد و گسترش داد. به نظر او امر قدسی را صرفاً نباید در تجربه‌های مخصوص به مواجهه با خداوند جستجو کرد. جلوه امر قدسی تقریباً در نمادپردازی‌ها و شعایر هر فرهنگی به خصوص در فرهنگ‌های ابتدایی و آسیایی به وفور نهفته و نمایان است. الیاده، در مورد تجلیات «مقدس» معتقد است که درخت مقدس، سنگ مقدس، مکان مقدس و یا هر امر مقدس دیگری، به‌عنوان سنگ یا درخت یا مکان مورد تقدس و احترام واقع نشده‌اند بلکه آنها دقیقاً به سبب این که تجلی امر قدسی محسوب می‌شوند و به دلیل آنکه آن چیزی را نشان می‌دهند که دیگر سنگ، درخت و مکان نیست، مورد احترام و تقدس واقع شده‌اند (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۱۳).

همانگونه که مطرح شد، مقدس و یا امر قدسی، امری فرا عقلانی بوده و انسان فقط می‌تواند مقدس و حضور و رابطه با او را حس و تجربه کند. برای یک انسان «امر مقدس»؛ تجلیات، نمودها و مظاهری دارد به همین سبب، در همه ادیان، نمادها، نشانه‌ها، شعایر، کتب، زمان‌ها و اماکن مقدسی وجود دارد که از طریق آنها، انسان می‌تواند به خدا (امر قدسی) نزدیک شود و با او در ارتباط و مواجهه باشد. از نظر انسان مذهبی مکان‌ها یکدست و یکپارچه و همانند نیستند. از لحاظ کیفی، پاره‌ای از مکان‌ها با مکان‌های دیگر متفاوت است (الیاده، ۱۳۷۶، ص ۲۱).

به‌عنوان مثال در تورات آمده است که خداوند به موسی فرمود: «به اینجا نزدیک نشو، کفش‌هایت را از پا بیرون کن» (کتاب مقدس، سفر خروج، باب ۳، آیه ۵).

شبیبه همین مطلب در قرآن نیز آمده است: «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَامُوسَىٰ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (قرآن کریم، سوره طه، آیه ۱۱-۱۲).

پس با توجه به این شواهد می‌توان ادعا کرد که مکان مقدس که با بقیه اماکن متمایز بوده و به دلیل کارکرد دینی مشخص و نه به خاطر در برداشتن کیفیات فیزیکی و یا زیبایی‌شناختی ویژه، مقدس شمرده می‌شود. بسیاری از مکان‌های مقدس حتی مکان‌هایی که در حیات دینی یک جامعه نقش محوری دارند،

زیارتگاه‌ها و مناظر مقدس دنیا، نوع شناخت از این مناظر، حاصل ترکیب دو محدوده عینیت و ذهنیت است و از این جهت در این پژوهش به منظور شناخت منظر مقدس و طراحی آن، با استفاده از متد پدیدارشناسی و مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی منظر مقدس پرداخته و سپس با مطالعات میدانی و شناسایی و معرفی پدیدارها و در نظر گرفتن شاخص‌هایی برای آن، راهکارهایی برای طراحی ارائه گردید. ساختار کلی مراحل این تحقیق را می‌توان به صورت گام‌های زیر تصویر نمود (نمودار ۱).

۴. مبانی و چارچوب نظری

۴-۱. سایت‌های مقدس؛ تقدس و امور قدسی

کلماتی نظیر مقدس، قدسی و تقدس از کلمات و اصطلاحات کلیدی در ادیان و در مباحث مربوط به دین پژوهی است. کلمه «مقدس» در زبان عربی از ریشه «قَدَسَ» و «قَدَّاسَه» مشتق شده و به معنای پاکی و منزّه بودن از عیب و نقص و ناپاکی و ماده است و به معنای برکت و مبارک نیز آمده است (انیس و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۵۲). این مفهوم، همواره یکی از متداول‌ترین مفاهیم کاربردی در زندگی انسان بوده و اندیشمندان زیادی در این مورد، به بحث و نظر پرداخته‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

الف: نظریه دورکیم

آنچه دورکیم در تعریف مقدس بیان داشته است: «مقدس چیزی است که توسط یک سلسله احکام تحریم‌کننده حفظ و مجزا شده باشد و چیزی غیر مقدس است که این احکام در مورد آن اعمال نمی‌شود و آن را از امر مقدس جدا نگه می‌دارد». چنانچه فرد یا شیء یا زمان و مکان با تابوها و ممنوعیت‌هایی همراه باشد، آن امر مقدس است. هر قدر این تابوها شدیدتر و گسترده‌تر باشد، آن امر از تقدس بیشتری نیز برخوردار خواهد بود.

ب: نظریه رودلف اوتو در مورد مقدس

از نظر اوتو، مقدس یا امر قدسی یک امر غیر عقلانی است. البته منظور او از غیر عقلانی، ضد عقلانی نیست بلکه فرا عقلانی است. اوتو در مورد دین بر جنبه «احساس» تأکید می‌کند و احساس را به واقعیت دین نزدیک‌تر می‌داند. اوتو بر آن است که مؤمنان در مواجهه با امر مقدس که معمولاً در ایام مقدس و در اماکن مقدس مانند: مساجد، حرم‌ها و کلیساها صورت می‌گیرد، سه حالت و حس ویژه دارند:

۱- احساس مخلوقانه ۲- احساس خشیت در برابر راز هیبتناک ۳-

برای کسی که خارج از آن سنت است، حامل هیچگونه احساس مذهبی نیست (Breteron, 1987).

این مناظر هر چند گوناگون و متنوع باشند و به انحاء و طرق مختلف ساخته و پرداخته شده باشند، همه دارای خصیصه‌ای مشترکند و آن اینکه همواره منطقه و ناحیه محدود و مشخصی را به اشکال گوناگون بهره‌مند از قداست می‌کنند و پیوند با خدا (امر قدسی) را ممکن می‌سازند. به عبارت دیگر، همه پرستشگاه‌ها و اماکن مقدس از طریق تجلی الوهیت مقدس و متبرک می‌شوند و انسان مؤمن و مذهبی با ورود به آنها از جهان نامقدس جدا می‌شود و جهان و مکانی را غیر از آنچه در خارج از مکان مقدس است، احساس و تجربه می‌کند (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۳۶۵).

از نظر قرآن، جهان خود یک «امر مقدس» و محترم است چون مخلوق خدا و محصول فعل و صنع الهی است. هستی از نظر قرآن یک «آیه» و نشانه‌ای از آن ذات تصورناپذیر است. بسیاری از عرفا و بزرگان اسلامی، جهان را مجلا و تجلی‌گاه خداوند دانسته و هستی و زمین را مکانی مقدس و معبدی بزرگ تلقی کرده‌اند (نصر، ۱۳۸۳، ص ۵۳).

بدین‌گونه تقدس قائل شدن برای عناصر طبیعی که بشر در بستری از آن به وجود آمده، زندگی می‌کند و می‌میرد، نیز امری ناخودآگاه و اجتناب‌ناپذیر بوده که در برخی مواقع بروز بیرونی پیدا می‌کند. این مطلب در ایران به دلیل طولانی‌بودن تاریخ تمدن آن دارای نمونه‌های عینی فراوانی است (بهبهانی ایرانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵۹).

اغلب سایت‌های مقدس حفاظت شده توسط ساکنان آن، مکانهایی هستند که در برگرفته یک یا بیشتر از عناصر اعتقادی آن جامعه هستند. این سایت‌ها شامل عناصر طبیعی مقدس و عناصر ساخته شده مقدس هستند. با وجود تفاوت‌های زیاد در مذاهب مختلف، در تمام آنها طبیعت در برگرفته کدهای مذهبی «وجدان» و «آداب معاشرت» است که سبب شکل‌گیری نگرش و نحوه ارتباط رهروان آن مذهب با طبیعت می‌شود (Anthwal, et al, 2010). کارینز هم در مقاله خود در خصوص تقدس در طبیعت چنین می‌نویسد: رابطه جدیدی میان انسان و زمین بر مبنای اعتقاد به مقدس بودن زمینی که انسان را احاطه کرده است، لازم است تدوین شود تا پایداری آن تضمین شود. او همچنین اظهار می‌دارد چنین رابطه‌ای نه تنها از آسیب به طبیعت جلوگیری می‌کند، بلکه سبب بازسازی مناطق آسیب‌دیده سایت‌های مقدس طبیعی نیز می‌شود (Cairns, 2002).

برخی محققان معتقدند که تعداد سایت‌هایی که برمبنای تقدس، حفاظت می‌شوند، بسیار زیاد است (WWF, 2005). با این حال بسیاری از آنها هم به دلیل قطعه قطعه شدن زمین‌ها، از بین رفتن سکونت‌گاه‌ها، توسعه‌های زیربنایی، منازعات تملکی و کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی در خطر از بین رفتن قرار دارند

(Khumbongmayum, et al, 2004).

در ایران نیز تعداد سایت‌هایی که برمبنای اصول اعتقادی و فرهنگ جوامع محلی حفاظت می‌شوند، کم نیست. درختان مقدس، آب‌های مقدس و عناصر فیزیکی نظیر کوه‌ها که تقدیس شده‌اند، با توجه به گذر فرهنگ‌ها و مذاهب از دیرباز مورد توجه ایرانیان بوده است. ایرانی‌ها به طبیعت به‌عنوان مظهر الهی احترام می‌گذاشتند و مقدس می‌شمردند. ایرانیان قدیم همچنین معتقد به فرشته مقدسی به نام "اورز" بودند که صدمه زدن به گل و گیاه باعث خشم او می‌شد (دیبا و انصاری، ۱۳۷۴). در سکاوم نسک که از دیگر سری قانون‌های جزایی در ایران باستان است نیز از ریشه‌کن کردن گیاهان طبی، تأکید خاصی شده که گناه در پی دارد (جنیدی، ۱۳۸۳).

از این رو، اغلب افراد ضمن مراجعه به سایت‌های مقدس برای زیارت، اقدام به بستن دخیل به درختان می‌کردند و معتقد بودند درختان مراد می‌دهند. بنابراین احترام ویژه‌ای برای درختان قائل می‌شدند.

۲-۴. منظر فرهنگی

در جهان انواع بسیار متنوعی از مناظر و چشم‌اندازها وجود دارند که معرف مناطق مختلف آن هستند. آنها به مثابه آثار تلفیقی بشر و طبیعت، نمایانگر تعامل و رابطه طولانی مابین آدمیان و محیط‌زیست طبیعی‌شان هستند. این محوطه‌ها که به نام مناظر فرهنگی شناخته می‌شوند در فهرست میراث جهانی به ثبت می‌رسند. مناظر فرهنگی شامل طبقات کشت‌شده در کوه‌ها، باغ‌ها و اماکن مقدس و... شواهدی از ذهن خلاق، توسعه اجتماعی و حیات معنوی و خلاقه انسان می‌باشند. آنها در حقیقت بخشی از هویت مشترک ما هستند (بیرقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

کمیته میراث جهانی یونسکو، منظر فرهنگی را به عنوان تمایز جغرافیایی سرزمین‌ها یا ویژگی منحصر به فرد آن چنین تعریف کرده است: نمایشی مرکب از آثار طبیعی و انسانی. از اولین تعاریف منظر فرهنگی که توسط کارل سوئر (متخصص جغرافیای انسانی) ارائه شده است چنین است: «منظر فرهنگی، یک منظر طبیعی است که به‌وسیله گروه انسانی شکل یافته است. فرهنگ نقش عامل را دارد و طبیعت نقش واسطه را و منظر فرهنگی حاصل آن است». در پی این تعریف، تمامی باورها، مفاهیم و سنن مردم در حوزه منظر فرهنگی قرار می‌گیرد (Fowler, 2003, P18-20).

بنابراین منظر فرهنگی، منظر طبیعی است که با فعالیت گروهی انسانی شکل پیدا کرده و می‌تواند از مناطق شهری و تاریخی وسیع تا یک مزرعه کوچک را دربرگیرد.

در تعریف دیگر منظر فرهنگی می‌توان گفت: منظر فرهنگی، حوزه‌ای جغرافیایی است که منابع طبیعی و فرهنگی را در اشتراک

با رویدادهای تاریخی، فعالیت‌ها و افراد در برمی‌گیرد (فیضی و رزاقی‌اصل، ۱۳۸۸، ص ۲۰).

منظر فرهنگی، مکان تجلی طبیعت و فرهنگ در گذر زمان است. روایت هر کدام از این مناظر فرهنگی نیز به هویت منطقه و روایت فرهنگ‌ها و باورها در آن منطقه بستگی دارد و جریان زندگی در این مناظر از رویدادهای مهم و فعالیت‌های فردی یا گروهی جامعه استفاده‌کننده، تأثیر می‌پذیرد (مخلص، ۱۳۹۲، ص ۲۴).

در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی، ارتباط کاملاً نزدیکی بین انسان و طبیعت وجود داشته و انسان خود را جزئی از طبیعت می‌دانسته و این رابطه امکان زندگی را هم به انسان و هم به طبیعت می‌داده است. در قرون وسطی ارتباط بین انسان و طبیعت به گونه‌ای بوده که طبیعت را مذموم و جایگاه شیطان می‌دانسته‌اند که انسان را اغوا می‌کند. پس از رنسانس کم‌کم به طبیعت به گونه‌ای دیگر نگریسته شد تا جائیکه داوینچی می‌گوید: "نقاشی فرزندزاده طبیعت است" (کلارک، ۱۳۷۰).

از آن پس به تدریج طبیعت در تفکر عقل‌گرای اروپا مطرح می‌شود، بر اساس این تفکر، خداوند طبیعت را خلق کرده و بشر باید از آن استفاده کند (کرت‌گروتز، ۱۳۸۳).

منظر فرهنگی ریشه در تفکرات آیینی مردم هر منطقه داشته و در پیوند با طبیعت تعریف می‌شود. شاید قوی‌ترین نوع پیوند طبیعت و رسوم مردم را بتوان در مراکز آیینی و مقدس جستجو کرد. زندگی بسیار نزدیک با طبیعت از گذشته و به نسبت کمتری تا به امروز برای انسان‌ها بسیار مهم بوده است. در گذشته ارتباط صمیمی و خاص با طبیعت و مقدس دانستن آن، به نقطه عطفی در زندگی مردم تبدیل شد و نتیجه آن شکل‌گیری مراکز آیینی و مذهبی بود که در آنها، طبیعت مهم‌ترین عنصر و عامل تشکیل‌دهنده فضا بود. دین مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده در ساختار اجتماعی، فرهنگی و هنری جوامع سنتی به شمار می‌رود و علیرغم وجود تفاوت بین ادیان مختلف، می‌توان نکات مشترکی نیز بین آنها ملاحظه کرد. مهم‌ترین عامل در بقای اعتقادات و باورهای مردم، کالبد بخشیدن به آنها در قالب معابد و زیارتگاه‌هاست که عموماً در کنار عناصر مقدس طبیعت، بنا می‌شوند. اشتراک بین طبیعت و اصول و قوانین ادیان که در ارتباط با طبیعت معنا پیدا می‌کند، موجب ساخت بناهای زیارتی و مکان‌های مشابه شده که همه آنها گواه بر هم ریشه بودن این اماکن زیارتی با باورها و اعتقادات اساطیری ایران باستان است (مخلص، ۱۳۹۲، ص ۲۴).

مکان‌های آیینی در بیشتر ادیان، براساس ویژگی‌های جغرافیایی، ویژگی‌های طبیعی محیط و در ارتباط نزدیک با طبیعت تعیین می‌شده است. کوه، آب، درخت از عناصر سه گانه و مقدس طبیعت هستند که مکان‌های زیارتی در کنار این سه عنصر برپا می‌شده‌اند و از این طریق کیفیات مثبت محیطی را متجلی

می‌ساخته‌اند. «باورهای آیینی ایران باستان در ارتباط مستقیم با طبیعت و بزرگداشت و نیایش عناصر طبیعی بوده است. بیشتر بناهایی که در دل کوه‌ها، کنار چشمه‌ها و درختان مقدس بنا شده و نیایشگاه نیاکان ما بوده‌اند و تا امروز نیز زیارتگاه زرتشتیان و مسلمانان است، طبق شواهد بسیار، پرستشگاه مهر و آناهیتا بوده که در مسیر تاریخ و با ظهور ادیان جدید دچار دگرگونی شده‌اند تا مناسب با عملکرد آیین و باشند. بسیاری از این اماکن که امروز با نام چهار تاقی، آتشکده، امامزاده و یا مقابر پیران و بزرگان مشهورند، به گذشته‌هایی دور و آیین‌های جاری نیایش آب، آتش و آفتاب در زمان خود بازمی‌گردد» (جوادی، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

می‌توان گفت زیارتگاه‌ها همیشه به‌عنوان یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده مجامع زیستی محسوب شده‌اند. بنابراین مناظر مقدس، از آن جهت که ریشه در تفکرات آیینی مردم هر منطقه داشته و در پیوند با طبیعت تعریف می‌شود، جزء مناظر فرهنگی محسوب می‌گردد. شاید قوی‌ترین نوع پیوند طبیعت و رسوم مردم را بتوان در مراکز آیینی و مقدس جستجو کرد. زندگی بسیار نزدیک با طبیعت از گذشته و به نسبت کمتری تا به امروز برای انسان‌ها بسیار مهم بوده است. در گذشته ارتباط صمیمی و خاص با طبیعت و مقدس دانستن آن، به نقطه عطفی در زندگی مردم تبدیل شد و نتیجه آن شکل‌گیری مراکز آیینی و مذهبی بود که در آنها، طبیعت مهم‌ترین عنصر و عامل تشکیل‌دهنده فضا بود (مخلص، ۱۳۹۲).

شایان ذکر است که هر یک از مناظر مقدس با توجه به جغرافیا، اقلیم، فرهنگ و مذاهب محل وقوع، منحصر به فرد بوده و استخراج یک الگوی واحد برای کلیه مناظر امکان‌پذیر نخواهد بود؛ هر چند می‌توان با مطالعه آنها به شاخصه‌های مشابهی میان آنها دست یافت (بهبهانی ایرانی و همکاران، ۱۳۹۰).

۳-۴. باغ مزارها و آرامستان‌ها، نمونه‌ای از مناظر مقدس

باغ‌مزارها نمونه‌ای از باغ ایرانی است که با حفظ بن‌مایه اصلی خود، به عنوان مکانی برای دفن تعدادی از بزرگان مورد استفاده قرار می‌گرفتند (ویلبر، ۱۳۸۳).

نویسندگان اهمیت باغ در تفکر ایرانیان را حتی فراتر از زندگی مادی و در تعبیرات به کاررفته در سعادت جاودانی می‌بینند و اینگونه بیان می‌کنند: «باغ محلی رؤیایی، ورای جهان بود، ... مثلاً هنگامی که زرتشتی پارسا درمی‌گذرد، در پایان شب سوم، خود را در میان گیاهانی می‌بیند که عطرها خوش از آن استنشاق می‌گردد» (Sale, 1921, P515-288).

شاید بتوان اظهار داشت که توجه به بهشت در اسلام و توصیفی که از آن شده، در پیدایش این نوع مزار مؤثر بوده است و می‌توان آنرا بازتاب خواسته افراد در رفتن به بهشت دانست. از نمونه

باغ‌مزارها می‌توان به باغ‌مزار هفت‌تنان و باغ‌مزار چهل‌تنان در نزدیکی شیراز مربوط به دوره زندیه اشاره کرد (ویلبر، ۱۳۸۳). از دیگر مناظر مقدس می‌توان به گورستان‌ها اشاره داشت. یکی از نخستین اموری که بشر آموخته؛ به خاک سپردن مردگانش است. این فضاها که بخش مهمی از بن‌مایه‌های زیستگاه‌های بشری به شمار می‌روند به‌عنوان فضاهایی مانا در خدمت فعالیت‌های آیینی، فرهنگی و مذهبی قرار گرفته‌اند. این فضا به‌عنوان منظری فرهنگی در شهر مطرح شده و با هویت‌مندی خاص خود در ارتقاء جایگاه فرهنگی آن در توسعه پایدار شهری مؤثر خواهد بود (آقاجان بیگلو، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹).

در پذیرش گورستان به‌عنوان یک منظر فرهنگی در شهر، رویکردهای متفاوتی از قبیل: حفاظت، نگهداری، احیاء، بازسازی، تطابق‌پذیری و توسعه در مدیریت آن به طور مؤثر مدنظر قرار می‌گیرد (فیضی و رزاقی‌اصل، ۱۳۸۸، ص ۲۳). گورستان‌ها بسته به افرادی که در آنجا دفن شده‌اند، کیفیت‌های فضایی متفاوتی به خود می‌گیرند. این فضا همواره در تعامل پویا با فضای زندگانی انسان‌ها، روستا و پس از آن شهر، قرار داشته است (کاشیگر، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱).

مطالعاتی که در زمینه موقعیت گورستان در شهرهای ایران پس از اسلام انجام گرفته، حاکی از آن است که شکل‌گیری اولیه این فضا، حتی‌الامکان در کنار اماکن مقدس و عموماً در خارج از شهرها در مکانی با سهولت دسترسی برای بازماندگان بوده‌است. می‌توان گفت که آرامستان‌ها باری از فرهنگ و تاریخ در نسل‌های گذشته را برای نسل امروز، و فرهنگ و زندگی نسل امروز، را برای نسل آینده به همراه داشته و به‌عنوان یک منظر فرهنگی در شهرها مطرح است (حقیق و شوهانی‌زاد، ۱۳۹۰).

۴-۴. مفهوم پدیدار و پدیدارشناسی

پدیده یا فنومن در لغت به معنای نمود یا آنچه از یک شی پدیدار است، به کار می‌رود. اصطلاح پدیدارشناسی یا نمودشناسی را معادل تعبیر فنومنولوژی نهاده‌اند. این شیوه به دنبال پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و مشاهدات، یا به عبارت بهتر نسبت به پدیدارهایی است که بی‌واسطه در تجربه ما ظاهر می‌شوند (ورنو و وال، ۱۳۷۲، ص ۱۱). از اینرو پدیدارشناس می‌کوشد تا ساختارهای ماهوی یا ذاتی این پدیدارها را توصیف کند و می‌کوشد تا خود را از پیش‌فرض‌ها و تبیین‌ها آزاد کرده و روشی برای توصیف پدیدارها و شیوه‌ای برای شهود معانی ذاتی تدارک ببیند.

«امانوئل کانت»، معتقد است که پدیده‌ها در مواجهه با ذهن انسان، تحت تأثیر قوای فاهمه‌ی انسانی قرار گرفته و تبدیل به تجربه می‌شوند (کانت، ۱۳۶۷). به عبارت دیگر پدیدارشناسی عبارت از مطالعه یا شناخت پدیدار است. پدیدار به امری که

می‌تواند موضوع تجربه باشد، یعنی هر چیزی که در زمان و مکان برای ما تظاهر می‌نماید، اطلاق می‌شود. پدیدار به معنای خاص، امر بی‌واسطه‌ای است که توسط ادراک انسان دریافت می‌شود لذا هوسرل، پدیدار را آن نوع از شناخت می‌داند که حاصل ترکیب دو محدوده عینیت و ذهنیت باشد (دیباچ، سلطان‌زاده، ۱۳۷۷).

پدیدارشناسی عبارت از مطالعه توصیفی پدیدارها است به همان نحوی که آنها خود را در زمان و مکان ظاهر می‌سازند. این مکتب در پی آن است که با تفکیک آگاهی باواسطه و بی‌واسطه از یکدیگر، آگاهی انسان را از پدیدارهای ذهنی که بدون واسطه در ذهن وی ظاهر می‌شوند و ممکن است حتی عینیتی هم نداشته باشند، مورد مطالعه قرار دهد (هوسرل، ۱۳۸۶). به طور کلی پدیدارشناسی به دو روش فلسفی و غیرفلسفی تقسیم می‌گردد که روش دوم اشاره به هر نوع مطالعه توصیفی از موضوع مورد نظر دارد (Allen, 1987, P274).

از این رو، کار پدیدارشناس گردآوری توصیفات دقیق تجربه‌های دینی، و تجربه و تحلیل تطبیقی آنها و کشف معانی پدیده‌ها و پی‌بردن به چگونگی رابطه میان پدیده دینی یا امر مقدس با شخص تجربه‌گر و تظاهرات خارجی این تجربه‌هاست. میرچا الیاده از مروجان این روش بوده و امروزه اغلب پژوهشگران پدیدارشناس دین، از شاگردان و یا از پیروان راه و روش او می‌باشند. سروکار پدیدارشناس با مباحث کلامی و فلسفی نیست، بلکه سعی او بر این است دریابد که در عالم تجارب انسانی، اموری چون نماز، دعا، رستگاری، پرستش و نظایر این پدیده‌ها چه معنایی دارند و در حیات عاطفی و ایمانی انسان چگونه عمل می‌کنند. پدیدارشناس به صدق و کذب دعاوی ادیان هم کاری ندارد. اثبات صدق و کذب، امری است عقلانی و تجربه‌های دینی در ساحت قدسی و ایمانی می‌گذرد (مجتبایی، ۱۳۸۰). در این روش پدیدارشناس، پدیدارها را طبقه‌بندی کرده و به آنها نظم می‌بخشد و سعی می‌کند خود را در قالب معتقد به آن فکر درآورد (کاشفی، ۱۳۷۵). در پدیدارشناسی، فهمیدن هر موضوعی مستلزم برخورد و دیدار مستقیم با آن است. فهمیدن و معنی کردن آنها از راهی است که نمی‌توان از طریق استدلال و استمداد از مفاهیم عمومی بدان‌ها نایل گردید (کاکلمانس، ۱۳۸۱).

۵. بحث و تحلیل یافته‌ها

۱-۵. تأثیرپذیری طراحی مناظر مقدس شهری از پدیدارها و مفاهیم دنیای ذهنی

بررسی مسائل مربوط به پدیدارها و مواجهه آن با قوای فاهمه انسانی بر این دلالت دارد که ما همواره با موضوعات عالم هستی نسبتی دیرینه داریم. همین نسبت‌های بی‌واسطه است که پدیدار را به وجود می‌آورند. در هر پدیدار، ظاهر و باطن به هم آمیخته است و باطنی بدون ظاهر، یا ظاهری بدون باطن در نظر گرفته

نمی‌شود. بر این اساس پدیدارها از دنیای ذهنی ما نشأت می‌گیرد و همین دنیای ذهنی است که به فضاها عینیت می‌بخشد و طراحی این مکان‌ها، مناظر و فضاها را تحت تأثیر خود درمی‌آورد.

۲-۵. استفاده از پدیدارها در تعیین شاخصه‌های طراحی

یکی از مناظر پیرامون ما، مناظر مقدس شهری‌اند. در این مناظر که معنویت به انحای مختلف برانگیخته می‌شود، شاهد نمود پدیدارهایی هستیم که در مواجهه با ذهن انسان تبدیل به تجربه می‌گردد و می‌تواند راهگشای ما در تعیین شاخصه‌های طراحی قرار گیرد. در برخورد و مشاهده این مناظر، چند پدیدار به صورت بارز و روشن، نمایان است که در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهد شد (نمودار ۲):

۱. حس معنویت و ارتباط با عالم معنا

از آنجائیکه افراد در مواجهه با این مناظر و حضور در آن، به حالت معنوی خاصی دست یافته و به آسمان به نشانه قدرت الهی و توجه به مبدأ آفرینش نظر افکنده بودند، می‌توان این حس معنوی را به‌عنوان یک پدیدار قابل تشخیص و معرفی دانست. از طرفی بستن پارچه‌های سبز و زدن قفل به درختان و سایر عناصر به‌عنوان دخیل در راستای حس معنویت و قبولی طاعات و آرزوها و همچنین نوشتن نامه، انداختن آن در آب و پاسداشت آیین گذشتگان در این مناظر نیز در جهت تقویت این حس بوده است.

۲. حزن و اندوه درونی

مراجعی در هنگام ورود در این مناظر یا در مدت حضور در آن،

حالتی از حزن و اندوه و اشک و لابه به همراه داشته و با حالتی محزون و غمگین از مناظر پیرامون بهره‌مند می‌شدند. گاهی این پدیدار در یادبودها، تشدید و تقویت می‌گردد.

۳. حس جمعی، تعامل و همکاری

حضور افراد به همراه خانواده، دوستان به صورت فردی یا جمعی، دستگیری از افراد سالمند و پهن شدن سفره‌های اطعام دوستانه یا جمعی، توزیع نذری و این قبیل فعالیت‌ها نشان از حس تعامل و همکاری در این مناظر است.

۴. نیایش و دعا به ویژه در گوشه‌های خلوت

مشاهده افرادی که مشغول راز و نیاز و مناجات به خصوص در کنج‌ها و گوشه‌های خلوت بوده و فضای دنجی را برای عبادات و تمرکز خویش انتخاب کرده‌اند، حس دعا و نیایش را به‌عنوان یک پدیدار در این مناظر معرفی و تقویت می‌کند.

۵. آرامش درونی

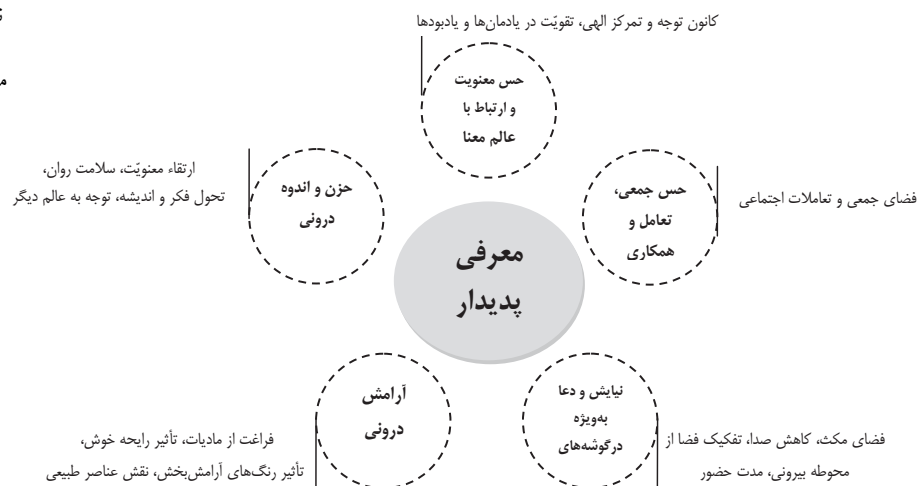
فراغت از امور دنیوی، خلوص، سادگی و در عین حال عدم توجه به رفت و آمدهای پیرامون، چهره‌های گشاده و باز، تسکین ناشی از حضور در این مناظر، حس فراغت و آرامش درونی را در مناظر مقدس، بازگو و القاء می‌نماید.

بنابراین می‌توان با توجه به شناسایی ویژگی‌ها و الزامات هر کدام از پدیدارها، شاخصه‌های منتج از آن پدیدار را معرفی و در قالب فضای مربوط به آن، طراحی کرد (جدول ۱).

جدول ۱: معرفی پدیدارهای شناسایی شده همراه با ویژگی‌ها و شاخصه‌های طراحی (نگارنده)

شماره	پدیدار معرفی شده	ویژگی و ملزومات	شاخص طراحی منتج از پدیدار
۱	حس معنویت و ارتباط با عالم معنا	<ul style="list-style-type: none"> ارتقاء معنویت سلامت روان تحول فکر و اندیشه توجه به عالم دیگر 	طراحی فضای معنوی (عرفانی)
۲	حزن و اندوه درونی	<ul style="list-style-type: none"> کانون توجه و تمرکز الهی تقویت در یادمان‌ها و یادبودها 	طراحی فضای یادمانی
۳	حس جمعی، تعامل و همکاری	<ul style="list-style-type: none"> تعاملات اجتماعی در کنار هم به زیارت پرداختن 	طراحی فضای تعاملات جمعی
۴	نیایش و دعا به ویژه در گوشه‌های خلوت	<ul style="list-style-type: none"> فضای مکت کاهش صدا تفکیک فضا از محوطه بیرونی مدت حضور 	طراحی فضای نیایشی
۵	آرامش درونی	<ul style="list-style-type: none"> فراغت از مادیات تأثیر رایحه خوش تأثیر رنگ‌های آرامش‌بخش نقش عناصر طبیعی 	طراحی فضای مکت (تفکیک و ترکیب فضا در مناظر مقدس جهت تقویت حس معنوی)

نمودار ۲: معرفی پدیدارهای شناسایی شده و ویژگی‌ها و ملزومات ارائه شده (نگارنده)



- استفاده از اشکال ساده و مقدس در طراحی مجموعه.
- استفاده از مفهوم دایره به معنای وحدت و توجه به مرکز هستی، نماد حرکت همیشگی، سیالیت و القاء حس معنویت و ایمان به خدا.
- استفاده از نقش انسانی و حضور او به‌عنوان بخشی از ایده طراحی.
- طراحی فضای آیینی و نیایش در سایت مناظر مقدس.
- استفاده از رنگ‌ها و نورهای آرامش‌بخش در ارتقاء معنویات زائران.
- به‌کارگیری عنصر آب به‌عنوان مظهر پاکی، سیالیت و گذران زندگی.

۳-۵. رویکردهای مورد استفاده در طراحی مناظر مقدس شهری بر اساس پدیدارها و مفاهیم دنیای ذهنی

- بدین منظور به بررسی متقابل پدیدارها و فضاها در ارتباط با هم پرداخته و با توجه به ویژگی و ملزومات هر یک، از عناصر محیطی، سبقه فرهنگی و اعتقادی و سایر عناصر الهام‌بخش طراحی، استفاده گردید. برخی از رویکردهای مورد استفاده در طراحی اینگونه مناظر عبارتند از:
- حفظ و استفاده از عناصر طبیعی موجود، از قبیل آب و درخت در توازن با محیط.
 - خلوص و سادگی در طراحی مجموعه.

جدول ۲: استفاده از عناصر طراحی و محیطی در رابطه متقابل پدیدارها و فضاهای طراحی شده (نگارنده)

فضای معنوی (عرفانی)	فضای یادمانی	فضای تعاملات جمعی	فضای نیایشی	فضای مکتب
حس معنویت	استفاده از عنصر نور در ارتقاء معنویات زائران	به‌کارگیری عنصر آب به‌عنوان مظهر پاکی، سیالیت و گذران زندگی	استفاده از نقش معنوی انسانی و حضور او به‌عنوان بخشی از ایده طراحی	استفاده و کاشت گیاهان فصلی و معطر در جهت تقویت حس آرامش و معنویت
حزن و اندوه درونی	توجه و تقویت عنصر تقدس‌یافته در منظر مقدس	برقراری پیوستگی زمانی و مکانی و بازخوانی خاطرات	به‌کارگیری عناصر متمایزکننده فضا و دعوت‌کننده مسیر زائران نظیر رنگ یا سنگفرش	عدم تناسب فضای بازی کودکان با کارکرد مجموعه
حس تعاملات جمعی	توجه به فضاهای روشن‌تر نسبت به فضاهای مجاور، به‌مثابه غلبه نور بر تاریکی	توجه به فرهنگ، آداب و رسوم و صبغه اعتقادی و یادمانی زائران	استفاده از مفهوم کثرت و وحدت، توجه به دایره به معنای وحدت و اشارت به مرکز هستی	استفاده از فضاهای تعاملات جمعی در قالب آیین‌های مذهبی- نیایشی
حس نیایش و دعا	توجه به عنصر امام‌زاده در سایت به‌مثابه حضور انسان در بهشت.	استفاده از مفاهیم استعاری در طراحی سایت	توجه به اصل سلسله مراتب و پیوستگی طراحی	استفاده از عناصر الهام‌بخش مذهبی و فرهنگی
حس آرامش درونی	به‌کارگیری درختانی نظیر سرو به‌عنوان نماد ایستادگی، نگهبانی از ارزش‌ها و اعتقادات	استفاده از عنصر آب در آرامش بصری و باطنی	تقویت فرصت‌ها و نقاط قوت مناظر مقدس در رابطه با زائران	استفاده از اشکال ساده و مقدس در طراحی فضا

- استفاده از عناصر الهام‌بخش باغ‌های مقدس و تمثیل امامزاده در سایت به‌مثابه حضور انسان در بهشت.
- به کارگیری درختانی نظیر سرو در طراحی کاشت به‌عنوان نماد ایستادگی و حفاظت از مجموعه، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی.
- استفاده از آب به‌عنوان نماد نورانیت در سایت.
- استفاده از فضاهای سایه و روشن، به‌مثابه نور و تاریکی و غلبه

- نور بر تاریکی.
- استفاده و کاشت گیاهان فصلی و معطر در جهت القاء حس آرامش و معنویت.
- توجه به فرهنگ، آداب و رسوم و سبقه اعتقادی شهروندان منطقه و منظر مورد مطالعه (جدول ۲).

نتیجه‌گیری

مشاهده مناظر گوناگون حامل پیام و ارتباطاتی مابین ناظر و منظر بوده و افراد در مواجهه با آن می‌توانند حالات خاصی را در خود ایجاد یا احساس نمایند. یکی از این مناظر، مناظر مقدس شهری‌اند. در این مناظر، معنویت به انحاء مختلف برانگیخته می‌شود و در آن شاهد نمود پدیدارهایی هستیم که در مواجهه با ذهن انسان تبدیل به تجربه می‌گردند که می‌تواند راهگشای ما در تعیین شاخص‌های طراحی قرار گیرد. چنانچه اشاره شد در برخورد و مشاهده این مناظر، چند پدیدار به صورت بارز و روشن، نمایان است که از آن جمله عبارتند از: حس معنویت و ارتباط با عالم معنا، حزن و اندوه درونی، حس جمعی، تعامل و همکاری، حس دعا و نیایش به ویژه در گوشه‌های خلوت، حس فراغت و آرامش درونی. این پدیدارها می‌توانند با برقراری ارتباط بین دنیای ذهنی و دنیای عینی، نقش مؤثری در طراحی مناظر مقدس شهری ایفا نمایند. هر پدیدار با ایجاد معانی و مفاهیم گوناگونی که در ذهن انسان شکل می‌دهد، با محیط و فضاهای پیرامون خود ایجاد رابطه کرده و همین ارتباط می‌تواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری، به تصویر کشیدن و به طور کلی، به عینیت بخشیدن فضاها، فراهم آورد. بدین منظور و برای عینیت بخشیدن این فضاها و مناظر، شاخصه‌هایی متناسب با هر پدیدار در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس برخی از عوامل تأثیرگذار محیطی، سبقه فرهنگی و اعتقادی، عناصر الهام‌بخش محیطی، عناصر طبیعی و مقدس موجود در سایت‌ها، آداب و رسوم و منظر مورد مطالعه نیز می‌توانند در ارائه راهکارها و رویکردهای طراحی اینگونه مناظر به خوبی ایفای نقش نماید. بنابراین می‌توان با توجه به شناسایی ویژگی‌ها و الزامات هر کدام از پدیدارها، شاخص‌های منتج از آن پدیدار را معرفی و در قالب فضای مربوط به آن، طراحی کرد که عبارتند از: طراحی فضای معنوی (عرفانی)، طراحی فضای یادمانی، طراحی فضای تعاملات جمعی، طراحی فضای نیایشی و طراحی فضای مکت (تفکیک و ترکیب فضا در مناظر مقدس جهت تقویت حس معنوی) که می‌تواند پاسخگوی نیاز استفاده‌کنندگان از این مناظر باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- آقاجانیگلو، عماد (۱۳۸۸). *بررسی گورستان از منظرهای متفاوت شهرسازی*. فصلنامه اندیشه ایرانشهر، (۱۳)، ۴، ۱۱۹.
- اتو، رودلف (۱۳۸۰). *مفهوم امر قدسی*. (همایون همتی، مترجم). تهران: انتشارات نقش جهان.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). *رساله‌ای در تاریخ ادیان*. (جلال ستاری، مترجم). تهران: انتشارات سروش.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۶). *مقدس و نامقدس*. (نصرالله زنگویی، مترجم). تهران: انتشارات سروش.
- انیس، ابراهیم و همکاران (۱۳۷۴). *معجم الوسیط*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بهبهانی ایرانی، هما؛ شیرزاد، زیبا؛ مؤمنی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). *بررسی شاخصه‌های مناظر مقدس - سیدان در استان فارس*. محیط‌شناسی، (۵۹)، ۱۵-۱۷.
- بیرقی، محمد (۱۳۸۹). *مناظر فرهنگی*. دومین کنفرانس بین‌المللی منظر فرهنگی.
- جنیدی، ف (۱۳۸۳). *حقوق جزا در ایران باستان*. تهران: نشر بلخ.
- جوادی، شهره (۱۳۸۶). *اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه)*. فصلنامه باغ نظر، (۴)، ۲۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: انتشارات سمت.
- حقیر، سعید؛ شوهانی‌زاد، یلدا (۱۳۹۰). *چگونگی ارتقاء جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران (با رویکرد به نقصان دستورکار مصوب سازمان ملل متحد در عدم توجه به امر تنوع فرهنگی)*. فصلنامه علمی پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری شهرسازی نظر، (۱۷)، ۲۱-۱۹.
- دیبا، د؛ انصاری، م (۱۳۷۴). *باغ ایرانی*. مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم. تهران: نشر رسانه‌پرداز.
- دیباچ، سیدموسی؛ سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۷). *فلسفه و معماری*. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- فیضی محسن؛ رزاقی‌اصل، سینا (۱۳۸۸). *گورستان‌ها به‌مثابه مناظر فرهنگی*. فصلنامه اندیشه ایرانشهر، (۱۳)، ۴، ۲۳.

- کاشفی، محمدرضا (۱۳۷۵). «فلسفه دین و کلام جدید»، کلام جدید در گذر اندیشه‌ها. به اهتمام علی اوجبی. تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.
- کاشیگر، مدیا (۱۳۸۲). معماری مرگ. زیبا شناخت، مطالعات نظری و فلسفی هنر، (۹)، ۱۰۱-۱۰۳.
- کاکلمانس، جوزف جی (۱۳۸۱). پدیدارشناسی چیست؟ برخی از موضوعات بنیادی پدیدارشناسی هوسرل. (دکتر سیدموسی دیباج، مترجم). مجله کلام اسلامی، (۴۲)، ۱۱۲.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۶۷). تمهیدات. (غلامعلی حداد عادل، مترجم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کرت‌گروتر، یورگ (۱۳۸۳). زیبایی‌شناسی در معماری. (جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید) (۱۹۸۵). انجمن پخش کتاب مقدس.
- کلارک، کنت (۱۳۷۰). سیر منظرپردازی در اروپا. (بهنام خاوران، مترجم). تهران: نشر ترمه.
- محدثی، علی (۱۳۸۲). طراحی مجموعه فرهنگی - مذهبی امامزاده حمزه کاشمر (باغ مزار). پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۸۰). دین پژوهی (گفتگوهای مسعود رضوی با دکتر فتح‌الله مجتبایی). تهران: انتشارات هرمس با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها. (۱)، ۴۲.
- مخلص، فرنوش (۱۳۹۲). مزار پیرمراد، منظر فرهنگی - آیینی شهرستان بانه. مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر. (۲۴)، ۲۲-۲۵.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳). آموزه‌های صوفیان. (حسین حیدری و همکاران، مترجم). تهران: قصیده سرا.
- ورنو، روژه؛ وال، ژان (۱۳۷۲). نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن. (چاپ اول). (یحیی مهدوی، مترجم). تهران: خوارزمی.
- ویلبر، دونالد (۱۳۸۳). باغ‌های ایران و کوشک‌های آن. (مهین دخت صبا، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هوسرل، ادmond (۱۳۸۶). ایده‌ی پدیدارشناسی. (عبدالکریم رشیدیان، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Allen, Douglas & M.Eliade (ed.), "Phenomenology of Religion" in: The Encyclopedia of Religion New York, Macmillan, Vol.11, 1987
- Anthwal, A. et al. 2010. Conserving biodiversity through traditional beliefs in sacred groves in Uttarakhand Himalaya, India. Resources, Conservation and Recycling. vol 54.
- Breton Joel "Sacred Speac" In Mirca Eliade (ed) The Encyclopedia Of Religion Vol 12. New York Macmillan Publishing 1987.
- Cairns, J. 2002. Sustainability and sacred values. Ethics in Science and Environmental Politics.
- Fowler, P.J. (2003). World Hertaige cultural Landscapes 1992-2002. world Heritage papers 6 (2003). Paris: Unesco world Heritage center.
- Khunbongmayum, A.D., M.L., Khan, R.S., Tripathi. 2004. Sacred groves of Manipur-ideal centers for biodiversity conservation. Current Science. Vol 87
- Sale, G. (Trans.) (1921); Qoran ; London; Chaps. XVIII and Chap. IV.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

A Phenomenological Look to the Sacred Landscape of Urban Design

Mehdi Khakzand* - Assistant professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Davood Ghorbanzadeh- Msc in environment Design Engineering, School of Environment & Energy, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

In different religions, there are always things sacred that meet the most fundamental human needs, which is regarded as attention and strive to reach the absolute perfection and approximation and resorting to him. As a result, in today's communities in which the need to a relaxed mentality and spirituality is felt more than before, urban sacred landscapes are created and defined as part of the cultural landscape, mixed with the manners, customs, and religion of urban communities according to the values and beliefs of that society. They have been able to fix the problems arising from the consequences of their nature through leading one to more spirituality and promoting the values and beliefs. Therefore, the human's attitudes and beliefs about their life and environment and also the value commitments and characteristics of individual and social life have a great influence on receiving good ideals. On the other hand, the design process, with a phenomenological approach to sacred landscapes has made it possible through seeing these landscapes to pay attention to landscapes regarding the notion of space, strengthening the sense of place, and identity giving; thus, maintaining and promoting the religious and cultural values, reducing stress, and raising security and mental health in human societies. Phenomenology is the study of subjective experience. The discipline of phenomenology may be defined initially as the study of structures of experience or consciousness. Literally, phenomenology is the study of "phenomena": appearances of things, things as they appear in our experience or the ways we experience things; thus, the meanings things have in our experience. The central structure of an experience is its intentionality, the way it is directed through its content or meaning toward a certain object in the world. We all experience various types of experience including perception, imagination, thought, emotion, desire, volition, and action. Hence, the domain of phenomenology is the range of experiences including these types. This study has set to introduce the required spaces for these phenomena through the phenomenology approach, introducing the phenomena and overlapping the cases identified in accordance with the needs and wishes of the users and pilgrims. In addition, the present study attempts to introduce this method as a forgotten way in the design. The results show that we can introduce and present the sacred landscape with the so-called approach in specified atmospheres such as spiritual (mystical), memorial, mass interactions, prayer, and pause, applying the mentioned method and determining the design indicators.

Keywords: *phenomenology, landscape design, urban landscape, cultural landscape, sacred landscape*

* Corresponding Author: mkhakzand@iust.ac.ir